



گفتاری از حجت‌الاسلام ماندگاری
در گفت‌وگو با «وطن امروز»

مهربانی رمز تشبه به امام رضا(ع) است



در هر یک از انبیا و اولیای خدا و امامان، یکی از صفات الهی بروز و ظهور بیشتری دارد. در وجود نازنین علی بن موسی‌الرضا نیز عطفوت و رفعت و مهربانی، ظهور و بروز شدیدتری دارد. رضا به قضای الهی، به مقدرات خداوندی، حالت رضایت و خشنودی باطنی و روحی، تسلیم در برابر تکوین و تشریح، اینها حالت‌های روحی‌ای است که برای کسب آنان باید به امام رضا علیه‌السلام متوسل شد. این راه باید مدنظر قرار داد که ما موظفیم در حد امکان خودمان را به امامان شبیه کنیم؛ اگر امام روف و مهربان است، این رفت و مهربانی باید در خلقت و خوی ما هم دیده شود. رفتار ما هم باید به رفتار امام شباهت پیدا کند. به همین خاطر است که کسی که ادعای ولایت علی بن موسی‌الرضا را می‌کند، باید رفت و مهربانی در رفتارش مشهود باشد.

برای مهربانی هم باید از خودمان شروع کنیم، یعنی قبل از همه باید با خودمان مهربان باشیم. مهربانی با خود هم به این است که راه بندگی خدا را در پیش بگیریم، کسی که از بندگی خدا سربتاید، اول از همه در حق خودش ظلم و نامهربانی کرده است. وقتی راه خدا بر است از برکت، نور، رحمت و روشنایی، که همه مشروط است به بنده بودن، گوش به حرف خدا دادن و اطاعت خدا را کردن، چرا انسان خودش را از این همه نور محروم کند و مسیری را به غیر از مسیر خدا طی کند؟

بعد از مهربانی با خود، نوبت مهربانی با خانواده و جامعه است. آدمی که با خود مهربان بود و مسیر بندگی خدا را در پیش گرفت، کم‌کم تعاملاتش با دیگران هم به مبنای مهربانی قرار خواهد گرفت، چرا که این دستور خداست و بنده هم کسی است که دستور مولا را اجرا می‌کند. اینگونه است که ما می‌توانیم در خلق و خوی خودمان گام‌هایی را برای شبیه شدن به امام رضا علیه‌السلام برداریم.

نکنه دیگری که درباره زندگی امام رضا علیه‌السلام نیازمند توجه است، سیره ایشان در گفت‌وگو و مناظره با نمایندگان دیگر ادیان و مکاتب است. ببینید! طبیعت حیوانی مثل جرابی روی فطرت الهی انسانی‌ها افتاده است. کسی که این حجاب را کنار بزند و به نور فطرت منور شود، می‌تواند با دیگران به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز بنشیند، چرا که در تعامل با دیگران، نظرش به آن فطرت الهی مدفون شده زیر طبیعت حیوانی است. این است که امام رضا به عنوان یک انسان رهیده از حجاب‌های طبیعی، می‌تواند اینگونه با دیگر ادیان و مکاتب وارد گفت‌وگوی علمی شود و نور خداخواهی و حقیقت‌جویی را در آنها بیدار کند. شما مطمئن باشید هر جا اینگونه انسانی وارد گفت‌وگو با دیگران شود، دل‌ها را تکان خواهد داد. به همین خاطر است که در دنیای کنونی، دشمنان ما نمی‌گذارند پیام انقلاب اسلامی به گوش جهانیان برسد و با آن دشمنی می‌کنند، چرا که پیام انقلاب که همان پیام اسلام است، منطبق است بر فطرت الهی و عقلانیت. این پیام مبتنی بر فطرت، دل‌ها را تکان خواهد داد و این چیزی است که دشمنان به آن رضایت نمی‌دهند. دشمنان و در رأس آنان آمریکا، اسرائیل و آل‌سعود مانع و سد رسیدن این پیام هستند.

البته نباید این نکته را هم فراموش کرد که نباید فقط دشمن خارجی را دشمن دانست، باید نفس خودمان را هم دشمن بدانیم، باید یک سلوک تربیتی‌ای در پیش بگیریم که با این سلوک حجاب‌های نفس را کنار بزنیم تا خودمان به نور فطرت منور شویم و بتوانیم نور آن را در دیگران نیز فروزان کنیم. برای فهم طریق سلوک، خواندن کتاب منازل‌الساثرین خواجه عبدالله انصاری مفید خواهد بود.

شکل نمی‌گیرد. افراد با گفت‌وگو مشکلات خود را حل نمی‌کنند. این سیره اهل‌بیت نیست. ما باید بتوانیم رفتارهای اجتماعی‌مان را بر اساس رفق و مدارا و گفت‌وگو تنظیم کنیم. امروز اوضاع به گونه‌ای شده است که من تا وقتی سرم را به نشانه تأیید سخنان کسی تکان بدهم، او مرا قبول دارد اما به اینها اینکه به او نکتد، از من دل چرکین می‌شود. این وضعیت سالمی نیست. چقدر ما در روایات داریم که نگذارید انسان‌های چاپلوس اطراف شما را بگیرند. این یعنی باید روحیه نقادی و نقدپذیری در انسان وجود داشته باشد. این اکنون از نیازهای اساسی جامعه ما است. اگر الگوی گفت‌وگو در جامعه ما پیاده شود، بسیاری از مشکلات به جای اینکه با درگیری‌های فیزیکی و رفتارهای خسونت‌آمیزانه حل شود، با حقیقت‌جویی و گفت‌وگو حل شود. خب! ما در مرکز گفت‌وگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، همین فرهنگ را حاکم کرده‌ایم. تا پیش از این برای گفت‌وگو با ادیان دیگر دچار مشکل بودیم، برخی فقها نظرشان بر نجاست اینها بود که اینان را نمی‌شود در مسجد آورد، نمی‌شود آنگونه که باید با اینها رابطه داشت. ما تلاش کردیم در مرکز گفت‌وگوی ادیان خیلی از سدها را از بین ببریم و بردیم. اکنون چندین دور گفت‌وگو با واتیکان داشته‌ایم، با مسیحیان ارتدکس داشته‌ایم، با برخی علمای یهود داشته‌ایم. نکته مهمی که باید در این بین اشاره کنم این است که این گفت‌وگوها ادامه‌دار است. گاهی شما یک دور، دو دور گفت‌وگو می‌کنید و دیگر حرفی برای گفتن ندارید، اما گفت‌وگوهایی که ما در این مرکز ترتیب داده‌ایم، گفت‌وگوهای ادامه‌داری است که این نیازمند یک مهارت و یک هنر در عرصه گفت‌وگو با سایر ادیان است.



گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام مرتضی آقا‌نهرانی به مناسبت فرارسیدن ایام رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص)

جامعه اخلاقی با مسؤولان اخلاق‌گرا

دیده می‌شود. درست است که گفته‌اند حق را بشناس و سپس اهل آن را بشناس، درست است که ما نباید دین خود را به رفتار این و آن گره بزنیم ولی به هر حال قشری در جامعه هستند که خیلی بنیان‌های اعتقادی قوی‌ای ندارند، تنها در خانواده مسلمان به دنیا آمده‌اند و مطالعه‌ای نداشته‌اند، خب! اینها نگاهشان به رفتارهای این و آن است، وقتی مسؤولی دم از تقوا می‌زند و در عمل نوع دیگری عمل می‌کند، به دینداری اینگونه افراد ضربه می‌زند.

شک نکنید کسانی که مسؤولیت بیشتری دارند، بیشتر مورد بازخواست الهی قرار می‌گیرند. خداوند در قرآن خطاب به زنان پیامبر می‌گوید شما مانند دیگر زنان جامعه نیستید، الگو هستید، اگر کار خلافی بکنید، مضاعف مجازات می‌شوید و اگر کار خوبی بکنید، مضاعف مورد پاداش قرار می‌گیرید. ائمه فرموده‌اند کونوا لئلا زیناؤ لا کونوا علینا شینا؛ زینت ما باشید، مایه شرمساری‌مان نباشید. این وظیفه ما است که به گونه‌ای عمل کنیم که زینت دین خدا باشیم. مسؤولان خیلی بیشتر باید حواس‌شان را جمع کنند، نگاه مردم به مسؤولان است. نظامی که ادعا می‌کند بر مبنای اسلام و آن هم اسلام ناب محمدی بنا شده، باید به رسالت خودش و به ادعای خودش پایبند باشد.

بله! این گزاره خیلی درستی است. در روایات آمده است: الناس علی دین ملوکهم، جامعه تحت تأثیر بزرگ‌ترهاست. یک عده از حکمرانان فکر می‌کنند فقط بار خودشان را به دوش می‌کشند، خیر اینگونه نیست، تأثیر‌گذاری مسؤولان بر اخلاق مردم خیلی بالاست، وقتی یکی از مسؤولان دروغ می‌گوید، دیر سر کار می‌آید، بیت‌المال را حراج می‌کند، از بیت‌المال می‌خورد یا به دیگری به ناقح می‌خورند، نه تنها فسادستیز نیست، بلکه خودش فاسد است، همه اینها در اخلاق عمومی جامعه بروز و ظهور پیدا خواهد کرد و ضارزش‌ها را در سطح عموم عادی می‌کند.

وقتی یک مسؤولی اینگونه عمل کرد، اثرش در آن قشری که در مبادی فکری و اعتقادی سست هستند، بسیار زیاد می‌شود. در این بین می‌خواستم از شما بپرسم این است که در مجموعه روای ما، این معنا آمده است که در یکی از آیات، خداوند پیامبر را به خاطر خلق عظیم می‌ستاید؛ این خلق عظیم که خدا را به ستایش واداشته گذشته از مطالبی که گفتید، اگر بخواهیم تفصیلی‌تر به آن بپردازیم، چه توصیفی باید از آن کرد؟

شبه همین سوال را از امیرمومنان پرسیدند، من همان جواب ایشان را به شما می‌دهم. از امیرمومنان پرسیدند شما مدت‌ها با پیامبر محشور بودید، آن خلق عظیمی که خدا پیامبر را به خاطر آن ستوده است برای ما وصف کنید. امیرمومنان اینگونه پاسخ دادند: من مضمون آن را بیان می‌کنم - حضرت فرمودند خدا در قرآن درباره نعمت‌هایش به انسان‌ها، لفظ «عظیم» را به کار نبرده است. گفته است: *لِنُعْذِبُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا*؛ اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید آنها را احصا کنید. من و شما و همه میلیاردها انسان، غرق نعمت‌های خداییم، تازه بخش زیادی از این نعمت‌های خدا را نمی‌شناسیم. این همه نعمت را خدا لفظ «عظیم» روی آن نگذاشته



معبد، وزارتخانه می‌شود معبد؛ این چیزی است که باید سرلوحه کارمان قرار دهیم. شما نگاه کنید، در روایات دینی ما درباره پیامبر گفته‌اند «طیب دوار بطیه»، یعنی پیامبر یک پزشک دوره‌گرد بود، پزشکی که می‌چرخید و دنبال مریضان می‌گشت، نه اینکه در مطب خود بنشیند تا مریض‌ها سراغ او بروند. پیامبر در کوچه‌ها، مسجد، حتی در غزوات و جنگ‌ها به دنبال درمان بود، به دنبال درمان بیماری‌های روحی و قلبی، ما باید به این پیامبر اقتدا کنیم، به سیره و رفتار ایشان اقتدا کنیم، به نسخه‌های ایشان که به ما رسیده عمل کنیم تا از این مریضی‌ها و گرفتاری‌های روحی شفا پیدا کنیم.

بله! این گزاره خیلی درستی است. در روایات آمده است: الناس علی دین ملوکهم، جامعه تحت تأثیر بزرگ‌ترهاست. یک عده از حکمرانان فکر می‌کنند فقط بار خودشان را به دوش می‌کشند، خیر اینگونه نیست، تأثیر‌گذاری مسؤولان بر اخلاق مردم خیلی بالاست، وقتی یکی از مسؤولان دروغ می‌گوید، دیر سر کار می‌آید، بیت‌المال را حراج می‌کند، از بیت‌المال می‌خورد یا به دیگری به ناقح می‌خورند، نه تنها فسادستیز نیست، بلکه خودش فاسد است، همه اینها در اخلاق عمومی جامعه بروز و ظهور پیدا خواهد کرد و ضارزش‌ها را در سطح عموم عادی می‌کند.

وقتی یک مسؤولی اینگونه عمل کرد، اثرش در آن قشری که در مبادی فکری و اعتقادی سست هستند، بسیار زیاد می‌شود. در این بین می‌خواستم از شما بپرسم این است که در مجموعه روای ما، این معنا آمده است که در یکی از آیات، خداوند پیامبر را به خاطر خلق عظیم می‌ستاید؛ این خلق عظیم که خدا را به ستایش واداشته گذشته از مطالبی که گفتید، اگر بخواهیم تفصیلی‌تر به آن بپردازیم، چه توصیفی باید از آن کرد؟

شبه همین سوال را از امیرمومنان پرسیدند، من همان جواب ایشان را به شما می‌دهم. از امیرمومنان پرسیدند شما مدت‌ها با پیامبر محشور بودید، آن خلق عظیمی که خدا پیامبر را به خاطر آن ستوده است برای ما وصف کنید. امیرمومنان اینگونه پاسخ دادند: من مضمون آن را بیان می‌کنم - حضرت فرمودند خدا در قرآن درباره نعمت‌هایش به انسان‌ها، لفظ «عظیم» را به کار نبرده است. گفته است: *لِنُعْذِبُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا*؛ اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید آنها را احصا کنید. من و شما و همه میلیاردها انسان، غرق نعمت‌های خداییم، تازه بخش زیادی از این نعمت‌های خدا را نمی‌شناسیم. این همه نعمت را خدا لفظ «عظیم» روی آن نگذاشته

حجت‌الاسلام محمد مهدی تسخیری در گفت‌وگو با «وطن امروز» به بررسی اصول اخلاقی امام رضاع(ع) در مناظره با مخالفان پرداخت

اصول مناظره رضوی

امام رضاع(ع) دیده می‌شود. نه تنها در سیره امام رضاع(ع)، بلکه در سیره سایر اهل‌بیت نیز ما این رفتار را می‌بینیم. وقتی آن ملحد با فضل‌شاگرد امام صادق(ع) بحث می‌کند، فضل ناگهان عصبانی می‌شود، ملحد از او سوال می‌کند، تو متعلق به کدام مکتب هستی؟ می‌گوید: متعلق به مکتب جعفر بن محمد. ملحد می‌گوید: نه اینگونه نیست! من بارها با جعفر بن محمد صحبت کرده‌ام، او هیچ‌گاه کلام مرا قطع نمی‌کرد، طوری به سخنانم گوش می‌داد که من گمان می‌کردم حرفم را پذیرفته است اما بعد از اتمام کلام من، وقتی لب به سخن باز می‌کرد، شروع می‌کرد به نقد آرای من.

ائمه ما اینگونه بوده‌اند در حالی که ما در خیلی از گفت‌وگوها و مناظرات به دنبال تحمیل نظر خودمان هستیم، نه تفهیم مطلب. شما ملاحظه کنید ابراهیم بن‌عباس درباره منش امام رضاع(ع) تعریف می‌کند که ایشان هرگز در کلامش به کسی جفا نمی‌کرد. یعنی امکان نداشت با کلامش موجب کمترین آزاری به کسی شود. در ادامه می‌گوید امام رضاع(ع) کلام هیچ‌کس را قطع نمی‌کرد. این آن آدابی است که باید به آن متخلق شویم. ائمه فرموده‌اند کونوا لئلا زینا و لا تکونوا علینا شینا. زینت ما باشید، مایه شرمساری‌مان. ببینید! امروز جامعه ما نیازمند گفت‌وگو است، از کوچک‌ترین واحد اجتماعی که خانواده باشد تا بزرگ‌ترین واحد که هیات حاکمه باشد، ما نیازمند گفت‌وگو هستیم. امروز می‌بینید در یک خانواده بین اعضای خانواده هیچ گفت‌وگویی

رفتار امام رضا نشان می‌دهد ایشان ابتدا مخاطب را در نظر می‌گیرد که آیا باید با طرف مقابل بحث درون دینی کرد یا برون دینی؟ درون‌مذهبی یا برون‌مذهبی؟ یا نه اصلاً ملحد و دهری است. نکته دومی که در مناظرات امام رضاع(ع) به چشم می‌خورد، روش بحث و نوع استدلال‌های ایشان است. وقتی طرف مقابل دهری و ملحد است، حضرت از استدلال‌های ادیبانه که مبتنی بر ایمان است استفاده نمی‌کند، بلکه از براهین عقلی استفاده می‌کند. این نکته مهمی است. گاهی ما در روش بحث با دیگران، بحث را از جایی شروع می‌کنیم که اصلاً مورد موافقت طرف مقابل نیست. برای همین توافق شکل نمی‌گیرد. نکته سوم این است که اخلاق حضرت در حین گفت‌وگو، مبتنی بر احترام مقابل و طمأنینه است. شما نگاه کنید در روایت آمده است که امام رضاع(ع) اول جلسه، وضو می‌گیرند، این یعنی به جنبه الهی آن جلسه نظر دارند، یعنی به خاطر خدا می‌خواهند گفت‌وگو کنند، بعد هم که وارد جلسه می‌شوند به همگی سلام می‌کنند. خود این سلام معنا دارد؛ سلام یعنی سلم و دوستی. یعنی من هرگز بدخواه تو نیستم. به دنبال آزار تو نیستم. من در سلم و سلامت با تو هستم. خب! حضرت بدو ورود اینگونه سلام می‌کند، یعنی من بدخواه و دشمن شما نیستم، می‌خواهم شما را به خاطر خدا به راه خدا دعوت کنم، می‌خواهم برای کشف حقیقت با شما گفت‌وگو کنم. به همین دلیل است که رعایت اخلاق در حین گفت‌وگو، در حد اعلا در روش و منش



جامعه امروز ما پیش از هر زمان دیگری محتاج اخلاق است؛ موضوعی که پیامبر گرامی اسلام، محور اصلی بعثت خویش را معطوف به آن تعبیر و تفسیر فرمودند. تجربه تاریخ بشری نشان می‌دهد اخلاق مداری، تنها یک امر فردی و درونی نیست و جامعه‌ای که بخواهد بر مبنای اخلاق اداره شود، ابتدا باید حکمرانان آن مقید به رعایت اخلاق شوند. به همین منظور، برای نگاه ویژه‌تر به مقوله اخلاق در دعوت پیامبر و لزوم برنامه‌ریزی حاکمیتی برای نهادینه شدن آن در جامعه به گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مرتضی آقا‌نهرانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نشستیم.

■ به نظر می‌رسد در فضای مذهبی و فرهنگی ما، حضرت پیامبر مظلوم واقع شده‌اند و آنچه‌ان که شایسته مقام ایشان است، به جایگاه پیامبر پرداخته نشده است؛ اگر بخواهیم نگاهی به سیره پیامبر داشته باشیم، کلیدی‌ترین عنصر شخصیت پیامبر را چه می‌دانید؟ ممنونم از روزنامه «وطن امروز» که پرداختن به شخصیت پیامبر عظیم‌الشان اسلام را در دستور کار خود قرار داده است. نکته‌ای که درباره مظلومیت پیامبر در فضای فرهنگی ما گفتید، مطلبی است که متأسفانه حقیقت دارد و من هم با آن موافقم. درباره پیامبر کمتر گفته شده، کمتر نوشته شده و این حق جایگاه پیامبر نیست. حضرت محمد(ص) خاتم انبیاست، اهل بیت سلام‌الله علیهم همگی فرزندان رسول خدا هستند، از علم رسول خدا بهره بردند.

امادرباره کلیدی‌ترین عنصر شخصیت پیامبر باید یک کلمه بگویم: بندگی خدا. پیامبر، عبد خدا بود، حتی نفس کشیدن ایشان هم برای خدا بود. خدا این عبد محض خودش را اسوه همه قرار داده است. در قرآن می‌فرماید: *لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ*. از ما خواسته‌اند که تمام حرکات و سکنات خود را با پیامبر تطبیق دهیم. پیامبر مثل انسان‌های دیگر غنا می‌خورد، ازدواج می‌کرد، بازار می‌رفت و... آن چیزی که تفاوت اصلی ایجاد می‌کرد بین رفتار ایشان و رفتار دیگران، این بود که ایشان فقط برای رفتار کار می‌کرد، هر جا که بود، خلاصا له بود. برای رضای خدا نمی‌کشید و قدم برمی‌داشت. این همان موضوعی است که ما باید سرلوحه خودمان قرار بدهیم. آن رفتگری که نیمه‌شب خیابان‌ها را جارو می‌کند، بلدان که چشم بینای خدا او را می‌بیند، برای خدا شهر را تمیز کند. آن نماینده‌ای که در مجلس کار می‌کند، برای خدا کار کند. آن وزیر برای خدا کار کند؛ اگر اینگونه شد، محل کار آدم تبدیل می‌شود به یک معبد، مجلس می‌شود

حجت‌الاسلام محمد مهدی تسخیری سال‌هاست در قامت ریاست مرکز گفت‌وگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نماینده جمهوری اسلامی در گفت‌وگو با دیگر ادیان است. حجت‌الاسلام تسخیری با توجه به همین تجربه در گفت‌وگو با «وطن امروز» به بررسی گفت‌وگوهای امام رضا علیه‌السلام با نمایندگان سایر ادیان و مکاتب پرداخت و سعی کرد با تحلیل این گفت‌وگوها، به برخی اصول حکم بر آداب گفت‌وگو در سیره امام رضا علیه‌السلام بپردازد. متن این گفت‌وگو که به صورت یادداشت تنظیم شده در ادامه می‌آید.

نکته‌ای را در ابتدا تذکر بدهم که ما در اینجا نمی‌خواهیم به بحث تاریخی درباره مناظره‌ها و گفت‌وگوهای امام رضاع(ع) با روسای سایر ادیان و مکاتب بپردازیم، بلکه می‌خواهیم روح این گفت‌وگوها را مورد بررسی قرار دهیم و از آن الگوبرداری کنیم. همان‌طور که مستحضرد ما روایاتی داریم که به شرح وقایع تاریخی جلسات امام رضاع(ع) با افرادی از سایر ادیان و مکاتب می‌پردازد. در این گفت‌وگوها در این گفت‌وگوها یک مخاطب‌شناسی شایسته است به دقت مورد بررسی قرار بگیرد و مورد الگوبرداری واقع شود. نکته‌ای اولی که درباره این گفت‌وگوها لازم است به آن دقت شود، «مخاطب‌شناسی» امام رضاع(ع) است. امام رضاع(ع) در این گفت‌وگوها یک مخاطب‌شناسی کم‌نظیر دارد. شما نگاه کنید جاثلیق در ابتدای جلسه با امام رضاع(ع) رو به مأمون می‌کند و می‌گوید: من چگونه با کسی بحث کنم که نه دین او را قبول ندارم، نه پیامبر او را؟ امام رضاع(ع) در جواب این حرف جاثلیق می‌گوید: من به همان چیزی که تو قبول داری استدلال می‌کنم.

حجت‌الاسلام محمد مهدی تسخیری سال‌هاست در قامت ریاست مرکز گفت‌وگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نماینده جمهوری اسلامی در گفت‌وگو با دیگر ادیان است. حجت‌الاسلام تسخیری با توجه به همین تجربه در گفت‌وگو با «وطن امروز» به بررسی گفت‌وگوهای امام رضا علیه‌السلام با نمایندگان سایر ادیان و مکاتب پرداخت و سعی کرد با تحلیل این گفت‌وگوها، به برخی اصول حکم بر آداب گفت‌وگو در سیره امام رضا علیه‌السلام بپردازد. متن این گفت‌وگو که به صورت یادداشت تنظیم شده در ادامه می‌آید.

